

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آگنیا کرنگل (Agniya KRENGEL)

برگردان: ا.م. شیری

۱۵ اکتوبر ۲۰۲۲

## قالب بندی شعور به واسطه شبکه های اجتماعی



### ترکیب اطلاعات در حال گردش در شبکه فیسبوک را دفتر تحقیقات فدرال (FBI) تعیین می کند.

فدرال ایست می نویسد: «امریکا دسترسی شهروندان خود به اطلاعات در اینترنت را به دقت تنظیم می کند. مقامات فدرال در تبنای با صاحبان شبکه های اجتماعی، هر چیزی را که کاربران می بینند، می شنوند، می خوانند، کنترل می کنند». نویسنده مقاله، جوی پولمن، تصریح می کند که «ترور اطلاعاتی، عاقبت اجتناب ناپذیر دولت های پولیسی است». یکی از مقامات ملل متحد طی مصاحبه ای که در شبکه های اجتماعی انتشار ویروسی نامیده شد، اذعان کرد که سازمان او «با گوگل همکاری می کند» تا موتور جست و جوی پیشرو جهان را برای «تغییر آب و هوا» تنظیم نماید (مطمئناً نه تنها در مورد این تقاضا). و معلوم می شود که «نظر خود» کاربر از ده یا بیست پاسخ نشان داده شده در صفحات اول یا دوم جست و جو شکل گرفته است. گوگل ۸۱ درصد از جست و جوهای اینترنتی و همراه با فیسبوک، سه چهارم ترافیک جهان را کنترل می کند. توییتر از نظر ترافیک متوسط است، اما در عین حال، بسیار تأثیرگذار است. با کمک این بزمجه اطلاعاتی، می توان بیشتر داده های نامطلوب برای «بالا» را بدون این که به کاربران اجازه درک داده شود، جذب کرد و یک دیدگاه از پیش تعیین شده در مورد هر چیز یا هر کسی را شکل داد. بر این اساس، شعور یک فرد و توده های بزرگ انسانی در اختیار کسانی قرار می گیرد که جریان اطلاعات را کنترل می کنند. فیسبوک، یوتیوب، اینستاگرام، لینکدین، توییتر و دیگر «مدافعان آزادی بیان» در این پردازش نقش ایفاء می کنند. در غرب صحبت های زیادی در باره محدودیت شهروندان روسیه و چین [البته، ایران به اضافه یکسری کشورهای دیگر هم. م] برای دسترسی به اطلاعات می شود. آری، چین اجازه نمی دهد گوگل یا فیسبوک از سپر طلایی اش عبور

کند. اما غرب نمی‌خواهد بپذیرد که شبکه‌های اجتماعی و موتورهای جست و جوی امریکائی مدت‌هاست به انحصارات تبدیل شده‌اند. آن‌ها در انتخابات مداخله می‌کنند و با پنهان کردن اطلاعات نامطلوب برای ایالات متحده آمریکا، اطلاعات مورد نیاز برای آن را در صفحه اول، در جایی که بلافاصله توجه خواننده را جلب کند، برجسته می‌کنند.

زمانی مارک زاکربرگ صدها میلیون دالر برای فعالان حزب دموکرات آمریکا هزینه کرد تا وارد کمیسیون انتخابات دولتی در سال ۲۰۲۲ شوند. صاحب یکی از قدرتمندترین شبکه‌های اجتماعی طی یک ویدیوی خود اعتراف کرد که این دفتر تحقیقات فدرال است که تصمیم می‌گیرد کاربران چه اطلاعاتی را در فیسبوک با یک دیگر به اشتراک بگذارند [دارندگی و برزندگی! زاکربرگ پول دارد و میلیون‌ها دالر برای شکل‌دهی شعور هزینه می‌کند. مثل من آسمان جل نیست، که یک حرف از هزار حرف حقیقت به گوش کسی نرود. م].

افشاگری‌های زاکربرگ فقط نوک کوه یخ است. دفتر تحقیقات فدرال و دیگر سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا نیازی به فیلتر کردن داده‌های فیس‌بوک ندارند. زیرا می‌دانند که خود شبکه‌های اجتماعی از جلب رضایت «مسئولان» عاجز نیستند. مقامات آزادند انتخاب کنند که چه چیزی در فعالیت‌هایشان عمومی بشود، چه چیزی نشود. می‌توان در مورد «تبانی پوتین و ترمپ» در وب موش دوانید و یا می‌توان هزاران خبر جعلی در مورد «جنایت‌های مهاجمان روس در سرزمین‌های اشغالی» منتشر کرد و در مورد «بوچا» افسانه‌ها ساخت. شبکه‌های اجتماعی ابزارهای چند منظوره هستند.

دفتر تحقیقات فدرال در سطح دولتی در انتخابات مداخله می‌کند و نامزدها را به دلیل عقاید سیاسی‌شان تحت تعقیب قرار می‌دهد. حتی خانه رئیس جمهور سابق را به اتهامات مضحک بازرسی کرد. امیلی فیملی در مقاله خود تحت عنوان «دموکراسی از نخبگان و برای نخبگان» می‌نویسد: «سخنرانی پرزیدنت بایدن در اول سپتمبر در فیلادلفیا در خصوص «وحدت»، نمونه بارز سردرگمی پیرامون چیستی دموکراسی است... عبارت تهدید دموکراسی امریکائی این روزها به قدری رایج شده که معنایش را از دست داده است و تنها ایدئولوژی مسلط را در بر می‌گیرد- ایدئولوژی آنقدر فراگیر شده است که دیگر مورد توجه قرار نمی‌گیرد. آن، مانند هوایی است که ما تنفس می‌کنیم».

امیلی فیملی ادامه می‌دهد: این تفسیر سست و آرمان‌گرایانه از حکومت مردمی، افراد عادی را تحقیر می‌کند و اهرم‌های قدرت را در کادر به اصطلاح متخصص قرار می‌دهد، که با دقت انتخاب شده‌اند. در چارچوب این ایدئولوژی، مفاهیم «دموکراسی» و «مردم» تنها یک پوشش بلاغی برای اراده نخبگان است. فقط به سانسور «اطلاعات غلط» در شبکه‌های اجتماعی در حمایت از «دموکراسی» و «آزادی بیان» توجه کنید. چگونه است که سانسور به حمایت از آزادی بیان تظاهر می‌کند؟ اما این از خیلی وقت پیش معلوم بود...

الکسی دو توکویل پیش‌بینی کرد که دیر یا زود حکومت واقعی مردمی در آمریکا با «قدرت نامحدود دولت قیوم» جایگزین خواهد شد. او معتقد بود که مردم این قیومیت را تحمل خواهند کرد. زیرا، متقاعد می‌شوند که «انتهای زنجیر» در دست آن‌هاست. «استبدادهای نرم» امروزی در حال تغییر ساختار جمهوری ما هستند. اما، همچنان از واژگان دموکراتیک استفاده می‌کنند. آیا راه بهتری برای خنثی کردن ناراضی‌ها غیر از این که آن‌ها را «تهدیدی برای دموکراسی ما» اعلام کنیم، وجود دارد؟ این یا آن واژگان نیز ابزاری برای دستکاری شعور است.

راه‌های زیادی برای خنثی کردن مخالفان سیاست «استادان گفتمان»، از اتهامات ساختگی گرفته تا نظارت غیرقانونی توسط دفتر تحقیقات فدرال «با بهترین انگیزه‌ها» وجود دارد. دولت بایدن اعلام کرد که هرگونه مخالفت با سیاست‌هایش را «تروریسم داخلی» تلقی خواهد کرد. اعلان جنگ علیه «تروریست‌های داخلی»، اختیارات نهادهای فدرال را برای پیگرد قانونی شهروندانی که ظاهراً «تهدیدی برای امنیت ملی شمرده می‌شوند»، تا بی‌نهایت گسترش می‌دهد.

ترور عاقبت دولت‌های پولیسی است. ایده‌های «بازسازی بزرگ» در برابر چشمان تمام جهان تحقق می‌یابد. برای انجام این کار، کافی است از شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه بلندگوهای «عقاید مردمی» که بر اساس الگوهای تأمین منافع مقامات شکل گرفته‌اند، استفاده کنیم. در شرایط کنترل شدید اطلاعات، انتخابات آزاد به یک داستان تخیلی تبدیل می‌شود. و شهروندان حتی به بحث در این مورد که آیا دادن چنین اختیاراتی به خدمات فدرال ارزش دارد یا خیر، مجاز نیستند. آیا امریکائی‌ها زمانی خواهند فهمید که در یک دولت توتالیتر، الگویی که غرب برای چندین دهه از آن ترسیده است و آزادتر از «چین کمونیستی» نیست، زندگی می‌کنند؟ (گذشته از این که چین واقعی شباهتی به آن تصویر ندارد که ارائه می‌دهند). اگر همه چیز در همان محدوده تعریف شده توسط غول‌های اطلاعاتی باقی بماند، با قطعیت می‌توان گفت: نه، آنها متوجه نخواهند شد! \*\*\*

#### **مطلب مرتبط:**

**چگونه رسانه‌های دروغ‌پراکنی به منبع استناد عموم تبدیل می‌شود**

۲۲ مهر-میزان ۱۴۰۱

<https://www.fondsk.ru/news/2022/10/12/socseti-opredelajut-soznanie-57416.html>